

مفهوم شناسی پرورش تفکر، با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

سجاد علیپور

sajjad.alipour@ut.ac.ir، دانشگاه تهران

چکیده

در این پژوهش با بهره گیری از دیدگاه ها و آراء علامه طباطبایی (ره) و برخی دیگر از متفکرین به تبیین دو مفهوم پرورش و تفکر پرداخته می شود. روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل مفهومی و به کارگیری روش ایجاد شبکه معنایی می باشد. ابتدا دو مفهوم پرورش و تفکر به طور جداگانه مفهوم شناسی شده اند و سپس مفهوم تفکر در یک شبکه معنایی با مفاهیم مشابه و نزدیک دیگر مقایسه شده و حدود و ثغور معنایی آن مشخص شده است.

واژه های کلیدی

پرورش، تفکر، مفهوم شناسی

مقدمه

مفهوم شناسی و تعیین دقیق معنا و مفهوم کلمات از مهمترین و مقدماتی ترین ضرورت های تحقیقات علمی خصوصا در علوم انسانی است. چه اینکه زمانی می توان در موضوعات مختلف به پژوهش پرداخت که ابتدا مفهوم دقیقی از آن موضوعات در ذهن باشد و تعریف مشخصی انجام گردیده باشد. برای تحقیق در موضوعات تربیتی و به طور خاص بحث پرورش تفکر ابتدا به مفهوم پردازی و مفهوم شناسی در خصوص این کلمات نیاز هست. در ذیل حدود و ثغور مفهومی این دو واژه مورد بررسی قرار می گیرد.

بدنه اصلی مقاله

پرورش

مفهوم پرورش را به طور کلی میتوان معادل مفهوم تربیت در نظر گرفت. در کتاب های لغت درباره پرورش آمده است، پرورش یعنی عمل پروردن، تیمار، مراعات، رعایت، تربیت، تریه، تعلیم، تأدیب، ترشیح [۱] پرورش یا تربیت عبارت است از به فعلیت درآوردن و پروردن استعداد های درونی که بالقوه در یک شیئی موجود است. این مفهوم که فقط در مورد موجود جاندار کاربرد دارد، با صنعت متفاوت است. چرا که صنعت عبارت است از ساختن به معنی شیئی را تحت یک نوع پیراستن ها و آراستن ها قرار می دهند، میان اشیاء و قوای اشیاء ارتباط برقرار می کنند، قطع و وصل هایی در جهت مطلوب انسان صورت می گیرد و آنگاه این شیئی میشود مصنوع انسان. [۲] حال آنکه در پرورش فقط این استعداد های درونی است که شکوفا می شوند.

قدما تربیت را فن تشکیل عادت می دانستند اما برخی بین عادت دادن و تربیت تفاوت قائل شده اند و عادت را جدا از فرآیند تربیت در نظر گرفته اند. ویژگی های عادت در این نگاه، پرداختن به تکرار امری بدون توجه و آگاهی، تلقین و امکان پیش بینی یادگیری است. این مفهوم کاملا با مفهوم تربیت که دارای ویژگی های فهم، تعقل و قابل پیش بینی نبودن نتیجه می باشد مغایر است. [۳] شهید مطهری با تقسیم عادت، به عادات فعلی و عادات انفعالی، قسم اول را تأیید و قسم دوم را تقبیح می کند. عادات فعلی عاداتی هستند که به عامل خارجی ارتباطی ندارند ولی عادات انفعالی تحت تأثیر عامل بیرونی ایجاد شده اند. لذا عاداتی مثل شجاعت که حد مطلوب آن در اثر ممارست و تکرار ایجاد می شود، یک عادت فعلی است که برای نفس انسان به وجود می آید و ایجاد چنین عاداتی پسندیده است. [۲]

افلاطون نیز تربیت را به دو صورت تعریف می کند. اول ایجاد عادات نیک و ابتدایی ترین احساسات و دوم شکوفا شدن استعداد های ذاتی. تعریف اول ناظر به عوامل بیرونی و تعریف ناظر به نیروهای درونی است. [۴] ارسطو دو هدف برای یکی برای تربیت در نظر می گیرد، اول هدف فردی یا طبیعی و دوم اجتماعی و سیاسی. [۵] رسو تربیت را هنر یا فنی می داند که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت طبیعت متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او و برای زندگی کردن تحقق می پذیرد. [۵] از نظر دیوئی تربیت عبارت است از بازسازی و سازماندهی تجربه که بر معنی دار شدن و عمق آن می افزاید و توانایی هدایت جریان تجربه را توسعه می دهد. [۶]

فارابی، تربیت را هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت در نظر می گیرد. [۵] ابن سینا تربیت را برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی می داند. [۵]

می توان چنین گفت که آراء متعددی درباره تربیت وجود دارد و جمع بین آنها مشکل بوده و هر کس طبق مبانی نظری خاصی به موضوع نگریسته است و بحث پیرامون آنها مجال بیشتر و مقال دیگری را می طلبد. با این وجود به طور خلاصه می توان گفت تربیت و پرورش، به معنای خاص خود، شکوفا کردن استعداد های متربی در جهت رشد و کمال می باشد.